

خورجین و گونه‌های مختلف آن در استان چهارمحال و بختیاری

فرانک کبیری

کارشناسی ارشد صنایع دستی و هنرهای سنتی، عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد

چکیده

بروجن بیشتر توسط «قشقایی»ها [۲] انجام می‌پذیرد. خورجین‌های بزرگ معمولاً در ابعاد 150×100 سانتی‌متر بافته می‌شوند و برای جابه‌جایی بارهای زیاد، لباس‌ها و رختخواب‌های کم‌حجم مورد استفاده قرار می‌گیرند و تولید آنها در انحصار بختیاری‌هاست. این دست‌بافته‌ها بیشتر با شیوه گلیم‌باف ساده ایجاد شده‌اند ولی در بافت برخی از آنها از شیوه‌های پرزبافی و نوع خاصی پیچ‌بافی مخصوص این استان که به «زند» [۳] یا «سوزنی» موسوم است نیز استفاده شده که حائز اهمیت است. این تولیدات زیبا از لحاظ نقش‌اندازی نیز دارای نقوشی هستند که بیشتر یا برگرفته از عقاید و آداب و رسوم هستند، یا با تأثیرپذیری از محیط اطراف باندۀ خوش‌ذوق و یا با به‌کارگیری نقوش هندسی ایجاد شده‌اند. اما آنچه حائز اهمیت است جدای از مسئله مالکیت و حفاظت از مال و اموال و تولید وسایلی که

نگارنده در حین جمع‌آوری اطلاعات در زمینه گلیم‌بافی «استان چهارمحال و بختیاری» [۱] با این نکته روبه‌رو شده که آنچه با نام عمومی «خورجین» شناخته می‌شود از لحاظ ابعاد و کاربرد به سه دسته کوچک، معمولی و بزرگ تقسیم می‌شود و عبارت است از: خورجین‌های کوچک در ابعاد 50×25 سانتی‌متر که در هر دو قسمت «چهارمحال» و «بختیاری» و برای نگهداری اشیاء و وسایل قیمتی، اسناد و مدارک و وسایل شخصی بانوان بافته می‌شوند. خورجین‌های معمولی در ابعاد 100×50 سانتی‌متر که برای حمل خوراک، وسایل و ابزار معمولی یا مرتبط به‌شغل اشخاص، بیشتر توسط اهالی شهرستان‌های شهرکرد و بروجن - که در حوزه «چهارمحال» واقع هستند - تولید می‌شوند. لازم به‌ذکر است که بافت این نوع خورجین در شهرستان

چنین احتیاجاتی را برطرف می‌سازند، رنگ‌بندی زیبا و نقوش خارق‌العاده این محصولات است که هر بیننده صاحب‌اندیشه‌ای را به تفکر و تحسین وامی‌دارد. مسئله مهم هنر، سلیقه، فرهنگ و دید عمیق و زیباشناسانه هنرمندان گمنامی است که وسایل کاربردی روزمره را با ذوق خاص و وسعت نظرشان، تبدیل به کالاهای ارزشمند گنجینه‌ای کرده‌اند. مطالب این مقاله به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به شیوه توصیفی-تحلیلی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: خورجین، دست‌بافته، گلیم‌بافی، نقش، چهارمحال و بختیاری.

مقدمه

ایرانیان از پیش از اسلام تاکنون همواره بر تولید فرآورده‌های مورد نیاز خود، با دست و با به‌کارگیری موادی که طبیعت در اختیار آنها قرار داده مبادرت ورزیده‌اند. با ظهور اسلام، این دین مبین نیز بر این مسئله صحنه گذاشت، آنچنان‌که موارد بسیار زیادی پیرامون این موضوع در آموزه‌های دینی به‌چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال در قرآن کریم، در ترجمه آیه ۸۰ سوره نحل چنین آمده است: «و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داده؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به‌آسانی می‌توانید آنها را جابه‌جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آنها، برای

شما اثاث و متاع (وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۳۶۶).

«یکی از نام‌های سوره نحل، سوره نعمت‌هاست به‌خاطر اینکه: به نعمت‌های گوناگون مادی و معنوی پروردگار که بالغ بر پنجاه نعمت می‌شود در این سوره اشاره شده است، تا هم دلیلی بر شناسایی ذات پاک او باشد و هم انگیزه‌ای بر شکر نعمتش.» (همان، ۳۷۵ و ۳۷۶).

در تفسیر آیه مذکور - و درباره آنچه مرتبط با موضوع مقاله است - چنین آمده: «می‌دانیم موهایی که بر بدن چهارپایان می‌روید بعضی کاملاً خشن است، مانند موهای بز که عرب آن را «شعر» می‌گوید و گاهی کمی نرم‌تر است که آن را پشم می‌گوییم و عرب آن را «صوف» می‌نامد و گاهی از آن هم نرم‌تر است که آن را کرک می‌نامیم که عرب آن را «وَبَر» می‌گوید. بدیهی است این تفاوت ساختمان موها سبب می‌شود که از هر کدام برای مصرف خاصی استفاده شود، از یکی فرش درست کنند، از دیگری لباس، از دیگری خیمه و مانند آن. روی هم رفته اثاث به‌معنی وسایل خانه است... و از آنجا که وسایل خانه معمولاً زیاد است به آن اثاث گفته‌اند. متاع به هر چیزی گویند که انسان از آن متمتع و بهره‌مند می‌شود... و با توجه به آنچه گفته شد، ذکر این دو تعبیر، پشت سر هم ممکن است اشاره به این باشد که: شما می‌توانید از پشم و کرک و موی چهارپایان، وسایل زیادی برای خانه خود فراهم سازید و از آن متمتع گردید.» (همان).

ایرانیان مسلمان نیز بسیار خوب از این آموزه‌ها استفاده کرده و وسایل کاربردی را که از نظر زیبایی خود یک شیء هنری محسوب می‌شوند، به وجود آوردند و یکی از این اسباب زندگانی «خورجین» است که برای نقل و انتقال اثاثیه منزل و متاع و اسباب زندگانی از پشم و موی گوسفند و بز و شتر تهیه می‌شود.

تولید محصولات مورد نیاز انسان‌ها تنها برای رفع احتیاجات نبوده و سرشت زیباپسند هنرمند ایرانی همواره سعی در زیباتر کردن آنها داشته است. ضمن اینکه باید به این مسئله توجه داشت که «فرش‌بافی در میان ایلات و عشایر ایران به کلی با آنچه میان ساکنان شهرها و روستاها معمول بوده تفاوت داشته است. آن سنت مردمانی است که زندگی سخت و کم‌وسایله‌ای را، در نقاطی دورافتاده از مراکز شهری و نیز در الزام همه ساله به بیلاق و قشلاق کردن می‌گذرانده‌اند. هر قوم و قبیله‌ای از این مردمان، صاحب فرهنگی جداگانه بوده‌اند و غنای غرایز رنگ‌پسندی و طرح‌آفرینی خود را با گشاده‌دلی سنتی نثار اشیاء دم‌دستی و اسباب زندگی روزانه‌اشان می‌کرده‌اند، همچون: کف‌پوش و روانداز، خیمه و خورجین و غیره؛ یعنی میراثی که در گذر قرن‌های بسیار و نسل در نسل، نه به یاری تعلیمات نوشته یا ترسیمات راهنما، بل سینه‌به‌سینه و همراه با نفس مادر و ندای پدر در فطرت ثانوی‌شان جایگزین شده است. طراحی‌شان تهوربار، تجربیدی و انباشته از تنوعات رنگی است، با سرزندگی و

توانمندی اختصاصی هر واحد اجتماعی‌شان.» (فریه، ۱۳۷۴، ۱۴۱).

در بررسی‌هایی که توسط نگارنده بر روی گلیم‌بافی استان چهارمحال و بختیاری صورت گرفت، معلوم شد آنچه در اذهان عمومی از واژه «گلیم» وجود دارد همان «زیرانداز» است که پس از مطالعات بیشتر به‌وسعت کاربرد این واژه و این محصول پی می‌بریم. نگارنده در کنار واژه مذکور از کلمه «گلیم‌باف» استفاده کرده که شامل کلیه تولیداتی می‌شود که در بافت آنها یا به‌طور کامل یا تا اندازه‌ای از شیوه «گلیم‌باف» استفاده شده است و چون برای به‌جای آوردن حاجتی خاص تولید شده‌اند و کارکرد مشخص غیرزیرانداز دارند آنها را «گلیم‌باف‌های کاربردی» نام می‌نهد و در بین آنها، آن دسته که به‌شکل کیسه هستند را «دست‌بافته‌های کیسه‌ای» می‌نامد که عبارتند از: چنته [۴]، توبره، نمکدان، تاجچه [۵]، جوال [۶]، خور [۷]، مفرش [۸] و خورجین. از این بین در حال حاضر به «خورجین» پرداخته می‌شود، چرا که در حین تحقیق با ابعاد، کاربرد و نقوش مختلف آن برخورد شد که ضرورت بررسی بیشتر و شناسایی و معرفی این دست‌بافته را - که در ابتدا به‌نظر می‌رسید ساده و ابتدایی باشد - بیش از پیش موجب گردید.

استان چهارمحال و بختیاری برخلاف وسعت کمی که در تقسیمات کشوری دارد، پذیرای دو ایل بزرگ بختیاری و قشقایی است، تأثیراتی از دست‌بافته‌های اهالی استان‌های خوزستان و فارس پذیرفته و متقابلاً



تأثیراتی نیز بر آنها گذاشته، و همچنین در قسمت چهارم حال نیز چنین رابطه‌ای را با استان اصفهان برقرار کرده است، که البته مسئله تأثیر و تأثر در اینجا مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. البته خورجین‌هایی که در این مقاله بر روی آنها پژوهش صورت گرفته در محدوده مرزهای کنونی استان واقع شده‌اند. مقاله حاضر در سه بخش کلی ارائه می‌گردد:

۱. بررسی مختصر واژه خورجین در فرهنگ و ادب ایران و جهان.
۲. ابعاد و کاربردهای متفاوت خورجین.
۳. نقوش به کار رفته در آنها.

در پایان نیز نتیجه حاصل از بررسی موارد فوق به‌نگارش در آمده است.

۱. بررسی واژه «خورجین» در فرهنگ و ادب [۹] ایران و جهان

از ریشه یک واژه می‌توان به‌نحوه تفکر بشر پیرامون آن دست یافت. مرحوم دهخدا درباره این واژه می‌گوید: «اصل آن در عربی خُرَجین است یعنی دو خور (دو خرج) که در حالت رفعی «خرجان» می‌شود مگر آنکه بگوییم صورت نصب و جری برای آن علم شده است. میوه خشکی که مانند خورجین دو کیسه دارد مانند: میوه کلم و ترب.

خورجین: چیزی باشد از پلاس که زاد و رخت سفر در آن نهاده بر ستور بار کنند.

خورجین [خور] دو کیسه که از طرفی به‌هم یکی

شده باشد. دو جوال که نیمی از دهانه هر دو را به‌هم دوزند. بارجامه. باردان. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۰۰۷۲).

در فرهنگ مصور نمادهای سنتی در مورد «خورجین» چنین آمده است: «حفاظتگاه و نیروی مؤنث دربر گیرندگی، از این رو به‌معنی زندگی و سلامتی است. خورجین هر آنچه را که گرانبها و ارزشمند است حفظ می‌کند. هنگامی که با جوال همراه می‌شود به مفهوم حفظ اعمال فردی است تا به هنگام شهادت (= گواهی) در روز داوری به حساب آیند. خورجین و چوب‌دست نشانه زایری است که «انبان» او از شانه یا چوب‌دستش آویزان است؛ علامت مشخصه جمع‌کننده صدقه، بازرگان و همه پیک ایزدان خصوصاً هرمس / مرکوری؛ علامت مشخصه پیراپوس و یهودا، متی و نیکلاس قدیس در مسیحیت است.» (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۳۲).

۲. ابعاد و کاربردهای متفاوت خورجین

خورجین‌ها در زندگی روزمره جدای از بحث کاربرد، وظایف دیگری را نیز برعهده دارند. «انواع خورجین‌ها... در فرهنگ جامعه عشایری به ابزار بیان و انتقال زیبایی بدل می‌شود و زندگی یکنواخت و روند مکرر کوچ محتوم را... پرچلوه‌تر، متنوع‌تر و زیباتر می‌سازد.» (پرهام، ۱۳۷۱، ۲).

از خورجین به‌عنوان ساک، چمدان و صندوق استفاده می‌کنند. خورجین‌ها کاربردهای بسیار زیاد و اندازه‌های متنوعی دارند که از لحاظ اندازه می‌توان آنها را به سه دسته کوچک، معمولی و بزرگ تقسیم کرد.

«خورجین‌هایی که در اندازه کوچک و متوسط تهیه می‌شوند شامل دو مربع رویه‌روی هم هستند که بر روی یک سطح مستطیل شکل دوخته می‌شوند، اما خورجین‌های بزرگ که مخصوص عشایر هستند شامل دو مستطیل بزرگ می‌باشند که روی یک سطح شبه مربع تعبیه می‌شوند و درشان در قسمت وسط رویه‌روی هم قرار می‌گیرد.» (کبیری، ۱۳۸۰، ۱۷۹).

نوع اول که از لحاظ اندازه کوچک هستند به «اکبه» [۱۰] خورجین» معروفند و بیشتر برای نگهداری اسناد، اشیاء قیمتی، وسایل شخصی یا زیورآلات به کار می‌روند که برخی از آنها مخصوص بانوان به‌ویژه هنگام سوارکاری است و آن را معمولاً جلوی زین اسب آویزان می‌کردند تا سوارکار بتواند وسایلش را نیز درون آن بگذارد.

آویزان می‌شوند شامل دو تکه پارچه به‌پهنای حدود ۱۰ سانتی‌متر و به درازای ۶۰ سانتی‌متر هستند که روی آن به‌طور تمام دکمه‌دوزی شده و نقشدار است و در انتهای آنها نیز دو منگوله بزرگ آویزان است که به آنها «وَرَوَنه» [۱۱] می‌گویند. این ورونه هنگام حرکت روی دست‌های حیوان به‌حرکت درمی‌آید و مانع نشستن مگس و حشرات دیگر روی دست‌های او شده و از حرکت سر و گردن اسب برای راندن مگس و در نتیجه خطرات ناشی از آن می‌کاهد.

«از اکبه‌خورجین برای محافظت از نامه‌های سرّی که از سوی خوانین گسیل می‌شد، نگهداری فشنگ برای جلوگیری و دفاع از حمله‌های احتمالی و یا رفتن به شکار، نگهداری از پول و اشیای قیمتی و... به‌هنگام جابه‌جایی استفاده می‌کردند. اکبه‌خورجین‌ها معمولاً بندی برای آویختن داشتند و مانند خورجین‌ها معمولاً آن‌دسته از خورجین‌ها که جلوی حیوانات



تصویر ۱: اکبه‌خورجین، اندازه: ۲۵×۶۰ سانتی‌متر (مأخذ: نگارنده)

از دو کیسه مقابل هم تشکیل می‌شدند. معمولاً در فاصله ۳-۴ سانتی متری از سر کیسه‌ها شیارهای موازی با طول کل اکبه خورجین به نام «جای کلید» ایجاد می‌شد و قلاب‌های موجود در صفحه زیرین اکبه خورجین در دو ردیف هم‌راستا با شیارها عبور کرده و پشت سر هم قلاب می‌شدند تا دو قلاب نهایی که توسط قفلی بسته شده و باعث می‌گردید که در اکبه خورجین کاملاً بسته شود. بستن در خورجین‌ها به این شیوه را اصطلاحاً «قلف و کیلیت» می‌گویند.» (کبیری، ۱۳۸۰، ۸۱) (تصویر ۱).

لازم به ذکر است که فاصله قلاب‌ها از یکدیگر دقیقاً برابر با فاصله شیارها از همدیگر است. برخی از اکبه خورجین‌ها از دو طرف منقوش بوده‌اند ولی اکثراً رویه نقشدار و پشت محرماتی داشته‌اند. قسمت زیرین اکبه خورجین‌ها معمولاً پرزدار بافته می‌شده و نقش وسط رندی (پیچ‌باف) بوده است. اکبه خورجین‌ها معمولاً در اندازه ۵۰×۲۵ سانتی متر بافته می‌شوند.

یک نمونه دست‌بافته نادر که به تازگی نگارنده با آن برخورد کرده «سرمه‌دان» نام دارد که از لحاظ ظاهر، شبیه شکل عمومی خورجین‌ها و از لحاظ اندازه و کاربرد، شاید بتواند در دسته «اکبه خورجین»‌ها قرار بگیرد. این دست‌بافته که دارای ابعاد ۲۰×۴۱ است محل قرار دادن وسایل آرایش بانوان بوده و بافت سوزنی دارد و شاید سفارش بافت آن مربوط به دوران معاصر و کاربرد آن در منطقه چهارمحال باشد (تصویر ۲).

دسته دوم که خورجین‌های معمولی هستند؛ در اندازه

۱۰۰×۵۰ سانتی متر بافته می‌شوند و مخصوص «جابه‌جایی خوراکی و وسایل و ابزار معمولی» (تناولی، ۱۳۸۰، ۲۵) هستند. این نوع خورجین را چهارمحالی‌ها بیشتر برای جابه‌جایی خریدهای معمول روزانه بر روی دوش می‌گذارند. این تولیدات بیشتر با نخ پنبه‌ای سفید یا آبی تیره با روش ساده‌بافی تهیه شده و دارای رویه نقشدار و پشت محرماتی هستند. در رویه این دسته خورجین‌ها گاهی برخی نقوش - که بیشتر به صورت نقش مرکزی ایجاد می‌شوند - به صورت پرزدار بافته می‌شوند، ضمن اینکه معمولاً در قسمت زیرین کیسه‌ها هم برای ایجاد استحکام بیشتر، از شیوه قالی‌باف استفاده می‌شود. فاصله بین دو جیب در خورجین‌های چهارمحالی بیشتر از نوع بختیاری است (تصویر ۳). متأسفانه در چند سال اخیر آنچه تولید شده چه از نظر بافت و به‌کارگیری مواد اولیه و چه از نظر رنگ‌آمیزی نسبت به تولیدات گذشته در سطح بسیار پایینی قرار می‌گیرد. دو نمونه از این تولیدات در این مقاله آورده شده‌اند. تغییر کاربری یکی از آنها از لحاظ به‌روز شدن و استفاده برای دوچرخه، به جهت ایجاد شیار در دست‌بافته و ثابت شدن آن در پشت وسیله نقلیه و جلوگیری از افتادن قابل تقدیر است، ولی به‌کاربردن الیاف مصنوعی، بافت درشت و نامرتب، رنگ‌های تند و نداشتن اندازه‌های دقیق ارزش کار را بسیار پایین می‌آورد (تصویر ۴). در نمونه دیگر نیز ایجاد نقش، تنها از طریق به‌کار بردن پودهایی با رنگ‌های تند و ناهمخوان با یکدیگر حاصل شده است (تصویر ۵).



تصویر ۲: سرمدان، بافت طایفه اورزی (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۳: پشت و روی یک خورجین معمولی (مأخذ: نگارنده)

دسته سوم خورجین‌های بزرگ هستند که بافت آنها بیشتر در بین بختیاری‌ها رایج است. «یکی از شکوفاترین صنایع دستی بختیاری‌ها، خورجین است. خورجین از وسایل عمده زندگی کوچ‌نشینی است. این وسیله برای نگهداری و حمل مواد و وسایل شخصی به کار می‌رود.» (آهنجیده، ۱۳۸۴، ۲۲۶). همچنین از آن «برای جابه‌جا کردن بارهای زیاد، لباس‌ها و گاهی رختخواب‌های کم‌حجم به‌هنگام کوچ و نگهداری و مرتب‌نگه‌داشتن وسایل به‌هنگام اسکان استفاده می‌کنند.» (کبیری، ۱۳۸۶، ۸۲). ابعاد این خورجین‌ها معمولاً ۱۵۰×۱۰۰ سانتی‌متر و جیب‌هایشان اغلب مستطیل شکل است یعنی پهنای آنها بیش از درازایشان است (تصویر ۶).

«این خورجین‌ها خصوصیات دارند که نمونه‌های دیگر فاقد آنها هستند. این ویژگی‌ها عبارتند از ترکیب چند نوع بافت متمایز از قبیل: قالی‌باف، ساده‌باف و زندی. این سه شیوه بافت، همه بر روی یک چله و بر روی دار زمینی و با چله‌ای به عرض ۱ تا $۱/۱۰$ متر و

طول $۲/۳۰$ تا $۲/۴۰$ متر بافته می‌شوند. مشخصات دار (چله) هیچ فرقی با دیگر دست‌باف‌ها ندارند و ابزار مورد استفاده همان‌هایی هستند که در بافت قالی و زندی به کار می‌روند. الگوهای مورد استفاده در این طرح خورجین اغلب شبیه به هم هستند.» (سینایی، ۱۳۷۳، ۱۳۴). معمولاً در این گروه «روی خورجین، قالی‌باف و گلیم‌باف و پشت آن بافت حصیری ساده یا همان جاجیم‌بافت است... در حدود یک‌چهارم قسمت رویی در عرض که در طرف پایین از هر قسمت خورجین قرار می‌گیرد، قالی‌باف است. این روش بافت مربوط به زندگی کوچ‌نشینی و شرایط جغرافیایی است. در موقع بار کردن خورجین بر گرده چهارپایان، این بافت سطح نرم و لغزنده‌ای به وجود می‌آورد که اصطکاک آن به حداقل می‌رسد.» (آهنجیده، ۱۳۸۴، ۲۲۶ و ۲۲۷).

رنگ‌بندی و نقوش روی آنها با توجه به کاربرد متفاوت است. اگر برای جهیزیه عروس باشد رنگ‌های شاد و نقوش زیبا و بافت سوزنی برای آنها به کار گرفته می‌شود و به همین



تصویر ۴: خورجین پشت دوچرخه، ابعاد: ۴۹×۱۲۰ سانتی‌متر (مأخذ: نگارنده)

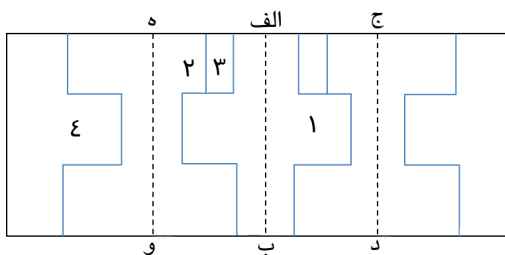
(ج-د) و (ه-و) را در محل تاخوردن برای ایجاد جیب‌های خورجین رسم کنیم، بافت‌های مختلف به‌کار گرفته شده در خورجین‌های بزرگ به صورت‌های زیر می‌باشد:

قسمت «۱» ساده‌باف است و بیشتر از زمینه‌ای با پودهای سیاه، سورمه‌ای و قرمز به صورت محرماتی با نقشی مربع مانند تشکیل می‌گردد که پرتوهایی مثلث شکل از آن ساطع می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که «بر اساس تعبیرهای بافندگان، به‌کارگیری رنگ سفید به صورت شعاع یا پرتو از لابه‌لای خطوط افقی و موازی سیاه و قرمز، نشانه تابیدن نور از پشت تاریکی‌هاست و به معنای نور امید و پیروزی اهورا بر

دلیل است که جز ارزش کاربردی، اقتصادی، از ارزش معنوی و هنری نیز برخوردار است و جنبه‌های تزئینی بیشتری بر روی آنها به‌کار گرفته می‌شود. اگر برای نگهداری اشیاء و لوازم گران‌قیمت باشد، از مواد مرغوب، رنگ‌بندی قرمز و سورمه‌ای و... و نقوش زیبا استفاده می‌شود و اگر برای اشیاء و لوازم دم‌دستی معمولی (لباس و ملزومات خانه) باشد، بافت ساده به‌کار گرفته می‌شود.

«خورجین‌های بزرگ» در مناطق مختلفی به‌ویژه «سرخون» [۱۲] و «بازفت» [۱۳] بافته می‌شوند. خورجین‌های منطقه بازفت به «باوری» [۱۴] معروف بوده و بسیار گران هستند. زنان ایل «موری» [۱۵] در منطقه بازفت نیز اغلب به این کار اشتغال دارند.» (سینایی، ۱۳۷۳، ۱۲۹).

در شکل (۱) پلان عمومی خورجین‌های بزرگ با توجه به شکل سطوحی که بافت‌های گوناگون در آنها به‌کار رفته‌اند، رسم شده است. اگر طبق الگو، خط چین (الف-ب) را وسط خورجین در نظر بگیریم و دو خط چین



شکل ۱: الگوی عمومی خورجین‌های بزرگ بر اساس تفکیک شیوه بافت. (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۵: خورجین روی شانه، ابعاد: ۴۷×۱۰۳ سانتی‌متر (مأخذ: نگارنده)

اهریمن تلقی می شده است.» (همان، ۱۳۴) (تصویر ۷).
قسمت «۲» قالی باف است. استفاده از بافته پرزدار در خورجین، اول به خاطر خاصیت نقش اندازی زیاد آن که از بافت گره‌ای حاصل می شود و دوم به دلیل دوام و استحکام قالی است. به طوری که گفته شد تا خوردن این قسمت باعث ایجاد مخزن بار (جیب) خورجین می شود و چون این قسمت به هنگام حمل و نقل با زمین تماس دارد، بافت آن باید محکم تر باشد. قسمت «۳» رندی باف است و از داخل جیب خورجین دیده می شود و در پشت دست بافته قرار می گیرد. «دلیل این کار بنا به اظهارات اکثر زنان عشایر منطقه بافت، قرار گرفتن آن روی قلب حیوان می باشد و چون قلب مهم ترین عضو حیوان است، این نقش در جلوی لایه زیرین به کار می رود. قسمت «۴» در دو طرف نمای بیرونی و خارجی به صورت قرینه است و شیوه رندی بافی در آن به کار رفته و دور تا دور این طرح با قالی بافی محصور شده است.» (همان، ۱۳۶).

زنان عشایر در بافت خورجین، با استفاده از رنگ های گیاهی و پشم دست ریس اقدام به بافت چنین محصولی می کنند. از خصوصیات بیشتر این خورجین ها استفاده از پشم هم برای چله و هم برای پود می باشد که به «پشم در پشم» معروف است. گاهی از موی بز در ترکیب با پشم



تصویر ۶: خورجین بزرگ، اندازه: ۱۱۳×۱۵۲ سانتی متر، بافت طایفه اولاد حاج علی (مأخذ: نگارنده)

یا به تنهایی برای بافت قسمت‌های سیاه استفاده می‌شود. رنگ‌های مسلط متن عبارتند از: قرمز و سورمه‌ای، ضمناً رنگ حاشیه‌ها و لبه‌ها سیاه [۱۶] هستند.

۳. نقوش به کار رفته در خورجین‌ها

به خدمت گرفتن تزئینات و آفرینش‌های هنری، ساخت اشیاء و وسایل کاربردی توسط ایرانیان پس از اسلام بسیار به چشم می‌آید. چرا که پس از تحریم نمایش صور زنده از سوی دین مبین اسلام، هنرمندان هموطن سعی در خلق آثاری کردند که علاوه بر کاربردی بودن و سودمند واقع شدن، زیبا نیز باشند. «علت تحریم نمایش صورت زندگان در دین اسلام شاید این بود که هر گونه حضور ماسوای حضور خدا را از میان بردارد. اما این حرمت نتوانست قریحه طبیعی نقاشی ایرانیان را از میان ببرد.» (شایگان، ۱۳۸۳، ۸۱).

این امر را در سایر هنرهای ایرانی از جمله هنرهای

سستی نیز می‌توان دید. آنچه به‌طور کلی در خورجین‌ها مشاهده می‌شود این است که: «رویه خورجین‌ها معمولاً منقش و پشتشان اکثراً به‌صورت محرماتی (راه‌راه) بافته می‌شود. برای حمل بارهای قیمتی و گران‌بها از خورجین نقش‌دار و برای اثاثیه معمولی (لباس و ملزومات خانه) از خورجین‌های ساده‌باف استفاده می‌شود.» (کبیری، ۱۳۸۶، ۸۰) (تصویر ۸).

در خورجین‌های بزرگ، نقوش در قسمت‌های پرزدار با قسمت‌های بدون پرز متفاوت است. مهم‌ترین نقشی که دارای بار معنایی است و در پشت کار بافته می‌شود عبارت است از مربع‌هایی که نقوشی مثلثی شکل از آن وارد نقش راه‌راه سورمه‌ای و قرمز رنگ زمینه می‌شوند. «بر اساس تعبیر بافندگان، به‌کارگیری رنگ سفید به‌صورت شعاع یا پرتو از لابه‌لای خطوط افقی و موازی سیاه و سورمه‌ای و قرمز، نشانه تابیدن نور از پشت



تصویر ۷: این نقش، حکایت از دمیدن نور امید از پس تاریکی‌ها دارد (مأخذ: نگارنده)

تاریکی هاست و به معنای نور امید و پیروزی اهورا بر اهریمن تلقی می شده است.» (سینایی، ۱۳۷۳، ۱۳۴). و به قول داریوش شایگان: «شاید حاکی از نفوذ مانویت باشد. می دانیم که تشعشع نور در نقاشی دیواری مانوی نقش مهمی داشته است؛ در این نقاشی است که هاله نورانی که بر گرد سر قدیسمین بسته می شود، نشانی است از گریزی به سوی عوالم غیب.» (شایگان، ۱۳۸۲، ۸۲). به نظر می رسد این نقش که یادآور آموزه های مانی

است خود را سینه به سینه در قالب نقش تا زمان حال منتقل کرده است. اما در کل، نقوش به کار رفته در بافت خورجین ها را می توان این گونه تقسیم کرد: نقوش هندسی؛ نقوش طبیعی شامل: گیاه، حیوان، انسان و سایر مظاهر طبیعت نظیر: رود، کوه و...؛ و سومین دسته نیز نقوش برخاسته از عقاید و باورها و نقش اشیاء و فضای اطراف بافته شده است، چرا که «بازسازی فضا معادل است با تکیه بر اهمیت خیال که در اصل



تصویر ۸ الف: روی یک خورجین بزرگ، ابعاد: ۱۰۰×۱۲۶ سانتی متر (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۸ ب: پشت همان خورجین بزرگ (۸ الف) (مأخذ: نگارنده)

پرتو روح است. هر تجلی ابتدا در روح نقش می‌بندد، سپس از آن ساطع می‌شود، همچون پرتویی که به مجرد تابیدن، اشیاء محسوس را به تمثیلاتی تبدیل کند که خود در آنها متجلی است. بین واقعیت‌ها و اشکالی که مظاهر آنها هستند، ارتباطی پیوندی وجود دارد.» (شایگان، ۱۳۸۳، ۸۳). البته باید در نظر داشت همان‌گونه که نقش خورجین‌های «چهارمجال» با «بختیاری» فرق دارد، نقش خورجین‌های هر طایفه با طایفه دیگر نیز متفاوت است (تصویر ۹).

«امروزه بهترین خورجین‌های عشایر بختیاری، به‌وسیله طایفه اولاد حاج‌علی در منطقه «سرخون» اردل بافته می‌شود که در واقع این گروه، بهترین بافته‌های عشایری این محل را فراهم آورده‌اند؛ هر چند نباید خورجین‌هایی که در مناطق بیلاق (سردسیر) عشایر

بختیاری شامل «بازفت» و «کوهرنگ» تولید می‌شوند را از نظر دور داشت، به‌خصوص آنهایی را که به‌نام خورجین «باوری» معروف هستند و نیز بافته‌های طایفه «موری» را که از لحاظ نقش و رنگ اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. در شهرستان بروجن نیز تا دهه ۱۳۴۰ ه.ش. (۱۳۸۰ ه.ق.) خورجین تولید می‌شده که تحت تأثیر فضای فرهنگی-فکری و سلیقه‌ای عشایر قشقایی قرار داشته و متأسفانه امروزه به‌طور کلی بافت آن متوقف گردیده است.

از مهم‌ترین مناطق تهیه این بافته می‌توان به دارجونه [۱۷]، چلگرد [۱۸]، کوهرنگ [۱۹] و مناطق مختلف بازفت اشاره نمود.» (کیبیری، ۱۳۸۶، ۸۴-۸۵).

در اینجا جدولی حاوی نقوش ذکر شده در متن - که در بافت خورجین‌ها به‌طور مستقل یا در سایر گلیم‌باف‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند - ارائه می‌گردد.



تصویر ۹: خورجین بزرگ، بافت شالو اولاد. (مأخذ: نگارنده)

اسم نقش	کاربرد نقش	مکان	نام دیگر نقش	تلفظ
قیچی	جاجیم، هور [۲۰]، هورژین [۲۱]	بختیاری	-	Gheichi
اره	وریس [۲۲]، حاشیه قالی، هورژین، هور	سراسر استان	-	Arre
بازوبند	خورجین، زیرگوشی [۲۳] (مهده)	بختیاری، قشقای	بازی بند	Bazu band
رکابی	قالی، هورژین، هور	بختیاری	-	Rekabi
پله	قالی، هورژین، هور	بختیاری، بروجن، شهرکرد	-	pelle
گنات	لیه وریس، حاشیه خورجین	بختیاری	تاتابی	Gonat
چارنگه	خورجین	شهرستان اردل - سرخون	گل خورجینی	Char tage
گده گایی	قالی، حاشیه لی [۲۴]، هورژین، جل	اکثر نقاط استان	گل آریزی	Gade gai
چله چنگ	گلیم های زیرانداز، وسط خورجین ها	شهرستان شهرکرد، شهرستان بروجن (عشایر قشقای)، قسمتی از بختیاری	پیکام، دینبکی	Chele chang
بز	توبره [۲۵]، خورجین، نمکدان [۲۶]، جل [۲۷]، پیش سینه، بند کیف	بیشتر نقاط استان، لردگان	-	Boz
بز کوهی	توبره، خورجین، نمکدان، جل، پیش سینه، بند کیف	بیشتر نقاط استان لردگان	پازن	Boz-e-koohi
گوش خری	حاشیه وریس، مهده، هور، هورژین	بختیاری (اولاد حاج علی)	گل گوشار	Goosh khari
سمبزی	سفره آردی، لی، هورژین	شهرستان اردل، دارچونه، خنگ دره شور	سیخ، آچار	Sombozi
پی مرغی	خورجین	سرخون، بازفت، چمن گلی	-	Pey morghi
آل باوری	قالی، تی بر، هورژ ترک [۲۸]، توبره، سفره آردی، هورژین، هورژ [۲۹]، هور	در بیشتر نقاط استان (نوع شاخ دار آن بیشتر در مناطق بختیاری بافته می شود)	-	Al-e-bavari
بنگش	هورژین، هورژ، هور، پیش سینه، نمکدان	بیشتر نقاط استان	بنگشت، گنگیش	Bengesh
بط	هورژین، کیف، تی بر	شهرستان اردل	-	Bat
بط اوی	هورژین، تی بر، کیف	شهرستان اردل، شهرستان شهرکرد	-	Batovi
گامسی سی	متن قالی، هورژین، هورژ، پیش سینه، حاشیه لی	بختیاری (به ویژه سرخون)	-	Gamasisi
گاپیت	تی بر (نمکدان)، هورژ ترک، خورجین	بختیاری (به ویژه سرخون)	گاو گل	Gapit
کرمک	خورجین	بختیاری - (سرخون)	کلپچه - کلپچک	Kermak
گل دره	جاجیم، آوارتهده [۳۰]، خورجین، سفره آردی، لی	بیشتر نقاط استان	گل خیره	Gol-e-dere
گل پیکه	جاجیم، آوارتهده، هورژین، هورژ،	بیشتر نقاط استان	گل خالی، گل خشخاری	Gol-e-pike
سه گلی	خورجین	شهرستان اردل	-	Se goli
گل گندم	خورجین، وریس	بختیاری	-	Gol-e-gandom
گل و برگ	قالی، توبره، جل، هورژین، هور، کیف، گلیم زیرانداز	بختیاری	-	Gol-o-barg
بلگ بیدی	وریس، خرسک [۳۱]، هورژین، هورژ، هور، سفره آردی، تی بر، جل	بیشتر نقاط استان	ته تلاش	Balg-e-bidi
بوتی شایی	لی، جاجیم، هورژ، هورژین، هور، جل، وریس	شهرستان اردل، شهرستان بروجن، دارچونه، خنگ دره شور	چارگلی	Booti shaye
انسان	کیف، خورجین، وریس	بیشتر نقاط استان	آدمک	Ensan
بند شکاری	خورجین، توبره، نمکدان، کیف	بختیاری	بند شکال	Band-e-shehari

جدول شماره ۱: بررسی نقوش خورجین ها (مأخذ: نگارنده)

نتیجه گیری

کیسه‌ها و رندی‌بافی در روی کار به خدمت گرفته می‌شود. رنگ‌های قرمز و سورمه‌ای بیشتر در خلق دست‌بافته‌ها استفاده می‌شود.

نقوش موجود بر روی خورجین‌ها در منطقه «چهارمحال» ساده و بیشتر هندسی و در منطقه «بختیاری» اغلب پرکار و بیشتر برگرفته از عقاید و آداب و رسوم آنها است. در کلیه تولیدات، نقوشی که نشان‌دهنده ابزار و وسایل زندگی اطراف بافته و محیط زیست او می‌باشد، مشاهده می‌گردد. رنگ، نقش و مرغوبیت مواد اولیه نشان‌دهنده کاربرد خورجین و بیانگر اشیاء درون آن است. به گونه‌ای که می‌توان گفت از ظاهر شیء می‌توان به درون آن پی برد. لازم به ذکر است که بهترین خورجین‌های استان چهارمحال و بختیاری توسط بانوان طایفه «اولاد حاج‌علی» در منطقه اردل بافته می‌شوند که به خورجین‌های اولاد معروف‌اند.

خورجین‌ها ابزار بیان و انتقال پیام و نشان‌دهنده روحيات و حالات درونی خالق اثر نیز هستند. زندگی که با اشیاء سنتی تزئین شده سرشار از راز و رمزهایی است که محصول آن، چیزی نیست جز ورود آرامش در زندگی. آنچه از هنر سنتی در اینجا می‌بینیم حضور مستقیم خداوند جلّ و علی در زندگی است که از طریق سودمند نمودن اشیاء و ابزار و وسایل زندگی و زیبا کردن آنها نمود می‌یابد. این دست‌بافته‌ها آنچنان قوی ظاهر می‌شوند که می‌توان آنها را از لحاظ رنگ‌بندی، ترکیب‌بندی و چشم‌نواز بودن نقش، به‌عنوان اثر

خورجین به محفظه‌ای گفته می‌شود که مخصوص جابه‌جا کردن وسایل است و شامل دو کیسه روبه‌روی هم ثابت شده روی یک سطح مستطیل شکل می‌باشد. خورجین‌ها از نظر اندازه، شیوه بافت، نقش‌اندازی، رنگ‌بندی، کاربرد و غیره گوناگون و متنوع هستند. به‌طور کلی خورجین‌ها را می‌توان از نظر ابعاد به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول خورجین‌های کوچک هستند که هم در «چهارمحال» و هم در «بختیاری» تولید می‌شوند و مخصوص نگهداری اشیاء و وسایل قیمتی هستند؛ دسته دوم، خورجین‌های متوسط هستند که بیشتر در قسمت «چهارمحال» تولید شده و مخصوص حمل خوراک و وسایل و ابزار معمولی هستند؛ دسته سوم که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، خورجین‌های بزرگ هستند که در منطقه «بختیاری» تولید شده و بارهای زیادی را در خود جای می‌دهند. در «چهارمحال» بیشتر از شیوه ساده‌بافی برای پشت خورجین و قسمت‌هایی از رویه آن و از شیوه پرزبافی در نقش‌اندازی روی خورجین و قسمت زیرین کیسه استفاده می‌شود و بیشتر خورجین‌ها با زمینه سفید و سورمه‌ای و نقوش تک‌رنگ بافته می‌شوند. قشقایی‌ها نیز، خورجین‌های راه‌راه با رنگ‌های متنوع می‌بافند. در «بختیاری» بنا به میزان اهمیت کالایی که قرار است در خورجین قرار گیرد، به‌ترتیب از شیوه‌های ساده‌بافی، پرزبافی و رندی‌بافی استفاده می‌شود. شیوه ساده‌بافی در پشت کار، پرزبافی در قسمت زیرین

هنری صرف بررسی کرد ولی مسئله مهم‌تر آن است که هنرمند و زن اندیشمند بافنده سعی در به‌ظهور رساندن زیبایی در قالب یک وسیله کاربردی داشته و چه خوب موفق شده و به این امر دست یافته است.

تشکر و قدردانی

لازم است از تمامی هنرمندان و بافندگان خوش ذوق منطقه و فروشندگان این محصولات که لطف کرده و در مصاحبه‌های حضوری شرکت نموده و اطلاعات ارزشمند خود را در اختیار نگارنده قرار دادند، تشکر و قدردانی نمایم.

پی‌نوشت‌ها

۱. استان چهارمحال و بختیاری در قلمرو مرکزی رشته کوه‌های زاگرس استقرار یافته است. مرکز آن شهرکرد و همسایگانش عبارتند از: اصفهان، لرستان، خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد. این استان دارای هفت شهرستان شهرکرد، بروجن، لردگان، اردل، کیار، کوهرنگ و فارسان است. چهارمحال شامل چهار ناحیه لار (شامل شهرستان شهرکرد)، کیار (شامل شهرستان کیار)، میزدج (شامل شهرستان فارسان) و گندمان (شامل شهرستان بروجن) می‌باشد. قسمت بختیاری منطقه‌ای کوهستانی و مشتمل بر بخش‌های شوراب و اردل و ناحیه سه‌دهستان، جانکی، فلارد، خانمیرزا، تنگزی، بازفت، دو آب صمصامی-دیناران، میانکوه و جغافخور است. کوچ‌روهای بختیاری زمستان را در خوزستان و تابستان را در بخش‌های غربی این استان می‌گذرانند.

۲. ایل بزرگ قشقایی که محل اولیه آنها در استان فارس بوده در منطقه وسیعی از خاک ایران سکونت دارند. بخشی از این ایل در استان چهارمحال و بختیاری (شهر فرادنبه از شهرستان بروجن) و بخشی نیز در استان اصفهان (وردشت سمیرم) قرار گرفته است. «این ایل از ۹ طایفه بزرگ و کوچک تشکیل شده است که عبارتند از: ۱. طایفه دره‌شوری، ۲. طایفه رحیمی، ۳. طایفه شش بلوکی، ۴. طایفه صفی‌خانی، ۵. طایفه عمله قشقایی، ۶. طایفه فارسیمدان، ۷. طایفه قراچه‌ای، ۸. طایفه کشکولی و ۹- طایفه کشکولی کوچک.» (صولت قشقایی، ۱۳۷۱، ۱۴). «همانگونه که ذکر شد یکی از طوایف بزرگ ایل قشقایی، طایفه دره‌شوری است که از ۴ بنوجه (ایل چی یعنی ایل کوچک) تشکیل شده و هر کدام تیره‌هایی را در برمی‌گیرد و محل اصلی زندگی آنها شهر «فرادنبه» از شهرستان بروجن است. البته بعدها عده‌ای از آنها به شهر بروجن عزیمت کرده و در آنجا ساکن شدند و عده بسیار کمی زندگی کوچ‌نشینی را برای خود برگزیدند. نام شهر فرادنبه در گذشته «پرادنبه» بوده و «ضرغام‌السلطنه» در این منطقه حکومت می‌کرده است.» (مصاحبه حضوری با شیرین نره‌ای و نورالله کبیری در تاریخ ۱۳/۰۷/۱۳۸۹). یکی دیگر از طایفه‌های ایل مذکور «شش بلوکی» نام دارد که علت نام‌گذاری آن چنین ذکر شده است: «نام شش بلوکی بر شش بلوک یا ناحیه دلالت می‌کند که می‌گویند تیره‌های مختلف این طایفه از آن نواحی بوده‌اند. این شش ناحیه عبارتند از: قره‌داغ، آذربایجان، اصفهان، چهارمحال، کرمان و فارس.» (ابرینگ، ۱۳۸۳، ۲۸۳). همان‌گونه که از کتب تاریخی مستفاد می‌شود، ایل قشقایی در این استان سابقه دیرینه دارد به‌عنوان مثال: «ابن‌شهاب یزدی

۱۷. به طوایفی از قشقای می‌کند که بیلاق آنها در گندمان (۱۶۰ کیلومتری جنوب غربی اصفهان) [که یکی از چهار ناحیه چهارمحال است و شامل شهرستان بروجن می‌شود] بوده است. به‌علاوه اولین ایلیخانی قشقای، امیر قاضی شاهیلو در محلی به نام درویش در حومه گندمان به خاک سپرده شده است. (ابرینگ، ۱۳۸۳، ۲۶).
۱۸. Rendi: رندی بافی یک شیوه پیچ‌بافی گلیم است مانند شیریکی بیج کرمان، ورنی آذربایجان و سوماک. این نوع گلیم در استان چهارمحال و بختیاری تولید می‌شود و دست‌بافته‌هایی که به این روش بافته می‌شوند به سرانداز نیز معروف‌اند.
۱۹. کیسه‌ای کوچک است که پول، چپق، تنباکو، ابزار دوخت و هوز و... را در آن می‌گذارند.
۲۰. محفظه‌ای نسبتاً بزرگ است که برای نگهداری گندم، جو، حبوبات و... به‌کار می‌رود و در ابعاد ۱۳۰×۱۰۰ سانتی‌متر بافته می‌شود.
۲۱. برای جابه‌جا کردن کاه و یونجه و... و حمل توسط چهارپایان به‌کار می‌رود. تار و پود آن اغلب پنبه‌ای و در اندازه ۱۱۰×۲۴ سانتی‌متر بافته می‌شود.
۲۲. مرحوم دهخدا خور را یک لنگه خورجین می‌داند و متذکر می‌گردد: آن جوانی است از پشم که در آن غله پر کنند و از جایی به جایی برند. خور برای حمل و انبار کردن گندم و آرد به‌کار می‌رود که شکل آن شبیه خورجین است ولی معمولاً در آن از جهت عرض باز می‌شود.
۲۳. محفظه‌ای بزرگ و به‌شکل مکعب مستطیل است که به‌هنگام کوچ لوازم خانه و ظروف و رختخواب و... را در آن می‌گذارند. به‌هنگام سکنی نیز حکم چمدان و انبار وسایل غیرضروری را دارد.
۲۴. در فرهنگ و ادب فارسی علاوه بر اینکه لغوی این کلمه آمده است، جنبه‌های استعاری آن نیز بیان شده، مانند شعر زیر:
توست و کیسه‌ات
مجو جز ویسه‌ات
یار تو خورجین
گر تو رامینی
۲۵. Akbe
۲۶. Varvane
۲۷. Sarkhoon از روستاهای شهرستان اردل. از معروف‌ترین بافندگان این منطقه می‌توان به طایفه اولاد حاج‌علی اشاره کرد که یکی از طوایف ایل بختیاری هستند.
۲۸. Baazoft از توابع شهرستان کوهرنگ.
۲۹. Baavari
۳۰. Mori
۳۱. دلیل اینکه رنگ حاشیه‌ها و لبه‌ها سیاه به‌نظر می‌رسد به خاطر استفاده از الیاف تهیه شده از موی سیاه بز است که در این قسمت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۳۲. Daarjooone از توابع شهرستان لردگان.
۳۳. Chelgerd مرکز شهرستان کوهرنگ.
۳۴. Koohrang یکی از هفت شهرستان استان چهارمحال و بختیاری.
۳۵. در قسمت‌های بختیاری‌نشین به «خور» می‌گویند. در مناطق بختیاری‌نشین استان به «خورجین»، «هورژین» می‌گویند. استفاده از این دو لفظ برای نشان دادن منطقه بافت این محصول در دو قسمت «چهارمحال» و «بختیاری» است.
۳۶. Veris: به بافته‌هایی باریک و بلند گفته می‌شود که نقش طناب را در زندگی بختیاری‌ها دارند.
۳۷. زیرگوشی یا مهده کیف کوچکی است مخصوص بانوان بختیاری برای نگهداری لوازم آرایش و زینت‌آلات که چون اکثر مواقع به‌منظور حفاظت، موقع خواب آن را زیر سر خود می‌گذارند به این نام خوانده می‌شود. مهده نیز مانند هورژ قفل و کلید دارد.
۳۸. Ley: به زیرانداز بزرگی گفته می‌شود که مانند کناره طول آن نسبت به عرضش بیشتر است. بختیاری‌ها این دست‌بافته را روی وسایل داخل چادر پهن می‌کنند تا حالتی یکدست و مرتب ایجاد کند.
۳۹. Toobre: به کیف‌های مخصوص چوپانان می‌گویند. نمکدان محفظه‌ای مخصوص نگهداری نمک است که دهانه‌ای تنگ دارد.
۴۰. Jol: به روانداز الاغ، اسب و استر گفته می‌شود. این وسیله که مانند هورژ از یک کیسه دو طرفه به‌اندازه تقریبی هر طرف ۲۰×۲۵ سانتی‌متر ساخته می‌شود، از بافته‌هایی است که در قدیم بیشتر بافته می‌شد و وسیله‌ای مردانه است. مردان ایل پول و اشیاء مردانه مانند وسایل اصلاح صورت خود را در آن جای می‌دهند و قفل و کلید می‌کنند.
۴۱. یا (خورج): بافته‌ای است که از وسایل زنان محسوب می‌شود. یک کیسه دو طرفه که دو روش ساده‌باف و قالی‌باف در آن به‌کار رفته است. قسمت ساده‌باف در پشت هر یک از کیسه‌ها و شیوه قالی‌باف در قسمت روی هر کدام از کیسه‌ها به‌کار می‌رود. هورژ از هر طرف به‌طور جداگانه قفل و کلید می‌شود. اندازه هورژ کوچک‌تر از هورژین است.
۴۲. یک نوع از وریس است که برای بستن مشک آب بر پشت شخص حمل‌کننده آن، به‌کار می‌رود.
۴۳. نوعی قالی بسیار پرز بلند که عمدتاً در مناطق روستایی و مرتفع و سردسیر بافته می‌شده است.

فهرست منابع

۱. آهنجیبه، اسفندیار (۱۳۸۴) تاریخ و تمدن چهارمحال و بختیاری، شهرکرد: آهنجیبه.
۲. ابرلینگ، پیر (۱۳۸۳) کوچ‌نشینان قشقای فارس،

۳. ترجمه فرهاد طبیعی یور، تهران: نشر و پژوهش شیرازه. پرهام، سیروس (۱۳۷۱) دست‌بافت‌های روستایی و عشایری فارس، تهران: امیرکبیر.
۴. تناولی، پرویز (۱۳۸۰) دست‌بافته‌های روستایی و عشایری ورامین، تهران: یساولی.
۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳) لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، پژوهشگاه مردم‌شناسی.
۶. سسینایی، حسین (۱۳۶۳) مروری بر صنایع دستی استان چهارمحال و بختیاری، حوزه معاونت سیاسی و امنیتی استانداری دفتر امور اجتماعی و انتخابات. شایگان، داریوش (۱۳۸۳) بت‌های ذهنی و خاطره ازلی، تهران: امیرکبیر.
۸. صولت قشقایی، محمد ناصر (۱۳۷۱) سال‌های بحران، تهران: مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا.
۹. فریه، ر. دبلیو (۱۳۷۴) درباره هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر و پژوهش فرزبان.
۱۰. کبیری، فرانک (۱۳۸۰) پژوهشی در گلیم‌بافی استان چهارمحال و بختیاری، به‌سفرش معاونت صنایع دستی استان چهارمحال و بختیاری.
۱۱. کبیری، فرانک (۱۳۸۶) تأثیر طبیعت استان چهارمحال و بختیاری بر نقش گلیم و رنگ لباس زنان استان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
۱۲. کوپرز، جی. سسی (۱۳۷۹) فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرهاد.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵) تفسیر نمونه، چاپ بیست و ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

Archive